

نقدی گذرا بر

مفاد چشم‌انداز توسعه‌ی استان مازندران

(قسمت سوم: توصیف و بازتفسیر برخی مفاهیم کلیدی مرتبط با توسعه)

کوروش برارپور

پژوهشگر و صاحب‌نظر در حوزه‌ی توسعه‌ی پایدار و مدیریت بومی در ایران

bararpoor@yahoo.com

این نوشتار در تاریخ ۸۶/۳/۲، در هفته‌نامه محلی پیک خزر (در سه استان شمالی کشور) چاپ شده است.

روشنفکر باید همچون خرمگس! توده‌های مردم و مدیران جامعه را بگذرد تا خون بیاید و آنها نیز از شدت درد، بر خود بنالند! (ارسطو)

اشاره

این نوشتار که در 14 قسمت چاپ می‌شود، ضمن ارایه‌ی تعاریفی از برخی مفاهیم اساسی و پایه‌ای در حوزه‌ی مباحث توسعه، با استفاده از روش هرمنوتیک انتقادی، سند چشم‌انداز توسعه‌ی استان مازندران را مورد بررسی و نقد علمی قرار می‌دهد. قسمت‌های اول و دوم، به صورت بسیار کوتاه و کلی به تشریح جامعه‌شناسی توسعه و بازتعریف برخی مفاهیم مرتبط با آن پرداخته که در این قسمت و قسمت بعدی، ادامه می‌یابد. قسمت‌های پنجم تا هشتم نیز، به تحلیل وضع موجود استان و در ادامه؛ قسمت‌های نهم تا چهاردهم به توصیف و نقد وضع مطلوب ترسیم شده در سند چشم‌انداز توسعه‌ی مازندران خواهند پرداخت.

سرآغاز

شاید مرور تعریف‌گونه‌ی برخی از مفاهیم اساسی مرتبط با توسعه در این نوشتار، برای بسیاری از مخاطبان گرامی بدیهی به نظر برسد اما، بازتفسیر آنها سبب خواهد شد تا در استان مازندران، برخی از عزیزان (که قطعاً نیت خیرخواهانه‌ای را دنبال می‌کنند)، به‌زعم خودشان نگویند توسعه! بعضی به گمان خودشان نگویند تحول! و بسیاری دیگر نیز بر اساس برداشت‌های ذهنی خودشان نگویند توسعه‌ی پایدار... چشم‌انداز ... یا باید توجه داشت که؛ استفاده نکردن از نظر نخبگان، عدم برخورداری تصمیمات مدیران از خرد جمعی، علمی نبودن برنامه‌ها و تناقض‌های موجود بین کلام و عمل برخی از ما! با تاخیرهای زمانی سبب ایجاد دینامیک‌هایی خواهد شد که نتیجه‌ی آن چیزی جز؛ ایجاد بی‌اعتمادی عمومی و تقویت دورباطل درماندگی و توسعه‌ی ایستا در کشورمان نخواهد بود. خاطر نشان می‌شود که؛ اگر کلام ما موج سوم توسعه را هدف قرار دهد اما اعمال ما رفتارهای موج اولی را به نمایش بگذارد، چیزی را به‌جز توسعه‌ی متناقض‌نما (که در قسمت اول مقاله و در دو هفته‌ی پیش به آن اشاره شد) رواج نخواهیم داد. نکته‌ای که مولف مقاله لازم می‌داند در این مجال به آن اشاره کند آنست که؛ در لابلای این نوشتار 14 قسمتی، شواهد و مثال‌های بومی‌ای از غرب‌مازندران (و کلاردشت) به عنوان نیمه‌ای از کل استان، آورده می‌شود. علت این امر آنست که؛ ایشان حدود 9 سال به صورت متمرکز و تخصصی و با روش اقدام‌پژوهی (یا پژوهش در عمل)، بر روی مسایل و مشکلات اساسی این منطقه به عنوان پایلوت، مطالعات عمیق علمی انجام داده است. در این بخش از مقاله نیز همچون قسمت پیشین، به منظور شفاف‌سازی برخی از مفاهیم اساسی در ادبیات توسعه، به بازتفسیر تعدادی از آنها پرداخته می‌شود.

قدرت چشم‌انداز (یا آرمان)

پرسش: تصویر مثبت یک ملت از آینده‌اش، پیامد موفقیت آن ملت است؟ یا موفقیت آن ملت پیامد تصویر مثبتی است که از آینده داشت؟ این پرسش هوشمندانه، پازلی (معمایی) است که زمانی، تقریباً ذهن همه‌ی آینده‌پژوهان را به خود مشغول کرده بود. راستی! از نظر شما، پاسخ هوشمندانه چیست؟ قطعاً خواهید گفت: موفقیت ملت‌ها (خواه باستانی و خواه معاصر)، پیامد چشم‌انداز و تصویر مثبتی است که از آینده، داشته‌اند و نه برعکس! به عبارت دیگر چشم‌اندازهای مهم، علت پیروزی‌های بزرگ هستند و نه پیامد آن. زیرا ممکن است ملتی به موفقیت‌های بزرگی نایل شود اما رخداد آنها اتفاقی، شانسی یا بر اثر عدم قطعیت‌های محیطی باشد! به عنوان مثال: جامعه‌ای را در نظر بگیرید که بر اثر عدم قطعیتی به نام؛ "پول نفت" به درآمد سرانه (درآمد به‌زای هر نفر) قابل توجهی دست می‌یابد. اگر این پدیده را موفقیت بنامیم، موفقیت یادشده هیچ ارتباطی به یک چشم‌انداز درازمدت از قبل طراحی شده ندارد بلکه به دینامیک‌های خارج از کنترل آن جامعه بستگی دارد که سبب بالا رفتن قیمت نفت می‌شود!

مطالعات آینده‌پژوهان به عنوان دیدبانان آینده، حاکی از آن است که: "وجود چشم‌انداز و تصویر مثبت، شفاف و زنده از آینده در یک جامعه، به قدری مهم و ضروری است که فقدان آن سبب انحطاط و زوال ارزش‌های آن جامعه خواهد شد". مهاجرت نخبگان، کاهش سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، اقتصادی و طبیعی در یک جامعه از پیامدهای عدم توجه ملت‌ها و مدیران آن جامعه به اهمیت موضوع چشم‌انداز و تصویر مثبت و زنده از آینده است. حال که داشتن موهبتی به نام چشم‌انداز در یک جامعه، اینقدر مهم و ضروری است باید دید دارای چه ارکان و اجزایی است؟

ارکان جهت‌ساز چشم‌انداز (یا آرمان)

برای واژه‌ی چشم‌انداز از معادل‌هایی مانند؛ آرمان یا بینش هم استفاده می‌شود. بر اساس ادبیات کلاسیک علمی معرفی شده از سوی دانشگاه استنفورد، چشم‌انداز دارای دو مولفه‌ی اصلی است که عبارتست از: جهان‌بینی (یا ایدئولوژی) محوری و آینده‌ی تصویر شده. جهان‌بینی (یا ایدئولوژی) محوری هم دارای دو رکن کلیدی است؛ ارزش‌های اساسی و منظور اصلی (یا اهداف بنیادین). ارزش‌های اساسی، مستقل از زمان بوده و به هیچ وجه در طول زمان دچار تغییر نمی‌شوند و همه افراد خود را مقید و پایبند به رعایت آن می‌دانند.

آینده تصویر شده نیز دارای دو جزء اساسی است؛ اهداف "بمب" (بزرگ، مهیج و بی‌باکانه) و توصیف زنده، شفاف و مثبت از آینده. اهداف بمب، معمولاً 10 تا 30 ساله‌ی آینده را افق‌گذاری می‌کنند. توصیف شفاف، زنده و مثبت از آینده نیز؛ اهداف بمب را توصیف می‌کند و بایستی به‌گونه‌ای زیبا، جذاب و شوربرانگیز تبیین شود. همچنین؛ اگر اهداف بمب، به مثابه قله‌ی اورست برای صعود فرض شود، اهداف بنیادین، نقش ستاره‌ی قطبی را بازی خواهند کرد تا مسیر رو به جلوی حرکت جامعه، دچار انحراف نشود!

مثالی از خلق یک چشم‌انداز درازمدت در کلاردشت مازندران

ارکان جهت‌ساز سند چشم‌انداز پیشنهادی برای توسعه‌ی منطقه‌ی کلاردشت به عنوان یک جامعه‌ی پیش‌تاز در عصر دیجیتال، که بر اساس ارکان جهت‌ساز سند چشم‌انداز ملی، برنامه‌ی چهارم توسعه و قانون اساسی کشور، و همچنین بر مبنای استاندارد معرفی شده از سوی دانشگاه استنفورد در افق 1404 ه.ش، طراحی و تدوین شده؛ به صورت زیر و به زبان مردم کلاردشت تبیین می‌شود:

ارزش‌های اساسی ما عبارتست از:

- احترام به طبیعت، صیانت از جنگل‌ها و حفاظت از محیط‌زیست
- یادگیری، نوآوری و حل مسئله بر مبنای علم
- صداقت و پایبندی به اصول اخلاقی
- مسئولیت‌پذیری اجتماعی
- نخبه‌گرایی

منظور اصلی (هدف بنیادین) ما عبارتست از: تقویت غرور ملی و خدمت به بشریت بر اساس منطق توسعه‌ی پایدار

اهداف مهم ما: جامعه‌ی کلاردشت طی 20 ساله‌ی آینده جامعه‌ای خواهد بود با ویژگی‌های زیر؛

1. جامعه‌ای پیشگام و پیشتاز در حفاظت از البرز به‌عنوان؛ سمبل ایستادگی، نماد پایداری و غرور ملی
2. جامعه بدون کاغذ- از طریق گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)
3. جامعه با سواد و ماهر- از طریق گسترش سواد عصر دیجیتال و مهارت‌های قرن 21
4. جامعه‌ای امن، سالم و پاک- از طریق توسعه‌ی قابلیت‌های قضایی، انتظامی، بهداشتی و درمانی
5. جامعه مولد، پردرآمد و سبز- از طریق توسعه‌ی مزیت‌های کشاورزی بومی، صنعت گردشگری و صیانت از جنگل‌ها و محیط زیست
6. جامعه علمی و تحقیقاتی- از طریق ایجاد دانشگاهی در کلاس جهانی و همچنین گسترش مراکز علمی- پژوهشی، نوآوری فناوری، مراکز رشد (انکوباتورها) و پارک علمی و تحقیقاتی

توصیف زنده و شفاف ما از آینده: "اگرچه در زمانه‌ی کنونی، جامعه‌ی کلاردشت آن‌گونه که شایسته است به محیط پیرامون خود معرفی نشده و فرهیختگان آن از این بابت احساس شرمساری می‌کنند، اما، کلاردشت 20 ساله‌ی آینده به گونه‌ای متحول خواهد شد که نسل آینده‌ی آن، از کلاردشتی و ایرانی بودن خود احساس غرور و سربلندی کند.

طی 20 ساله‌ی آینده در دنیا کمتر گردشگری است که با نام کلاردشت و جاذبه‌های گردشگری آن آشنایی نداشته باشد و در سرزمین بی انتهای علم کمتر دانشجویی است که دانشگاه کلاردشت و پارک‌های علمی- تحقیقاتی آنرا نشناسد.

طی 20 ساله‌ی آینده کلیه سازمان‌ها، دستگاه‌های اجرایی و نهادهای مدنی کلاردشت و حتی مازندران و در حوزه وسیع‌تر، ایران! فرایندهای مدیریتی خود را از طریق اخذ مشاوره‌های علمی و معنوی متخصصین جامعه‌ی ما، مسلح به فناوری اطلاعات و ارتباطات و سیستم بدون کاغذ خواهند نمود و ما کلاردشت را به عنوان یک شهر الکترونیکی و جامعه پیشتاز در عصر دیجیتال، به کلیه جهانیان معرفی خواهیم نمود.

ما طی 20 ساله‌ی آینده، سواد و مهارت‌های عصر دیجیتال را در جامعه انسانی و سازمانی کلاردشت و حتی مازندران، اعم از کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان گسترش خواهیم داد.

ما طی 20 ساله‌ی آینده از طریق ترکیب با دانشگاه‌های تراز اول ایران و جهان، بزرگترین پارک علمی- تحقیقاتی و همچنین مدرن- ترین دانشگاه خاورمیانه را در کلاردشت ایجاد خواهیم کرد تا سازمان‌ها و جوامع دیگر، از خدمات علمی ما بهره‌مند شده و در کسب رتبه‌ی اولی کشورمان در منطقه، به لحاظ علمی و فناوری، سهمیم باشیم.

ما ضمن یاری رسانی به دیگر شهروندان، مسئولین و گردشگران در خصوص حفاظت از البرز؛ صیانت از جنگل‌ها، منابع ملی و محیط- زیست کلاردشت و توسعه‌ی طبیعت آن، تلاش می‌کنیم تا در 20 ساله‌ی آینده، درآمد سرانه‌ای بالغ بر 17000 دلار، ناشی از صنعت گردشگری و تولید گیاهان زینتی و دارویی داشته باشیم، تا از این طریق نیز بتوانیم سهم بسیار ارزنده‌ای در تبدیل شدن کشورمان به قدرت اقتصادی شماره یک، در منطقه‌ی خاورمیانه و آسیای میانه، ایفا نماییم."

هشدار!

شاید در ذهن برخی از خوانندگان عزیز این‌گونه متبادر شود که؛ مولف مقاله (به عنوان جزء کوچکی از جامعه‌ی بزرگ کلاردشت و مازندران با ویژگی‌های پیش گفته)، فردی خیال‌پرداز و رویایی است! نگارنده‌ی این نوشتار به این دسته از مخاطبان گرامی حق می‌دهد! زیرا تا زمانی که مفاد یک چشم‌انداز مهم که می‌تواند سرمنشا موفقیت‌های بزرگ باشد، به صورت شفاف و قابل فهم به زبان توده‌ها ترجمه نشود، جامعه‌پذیری آن پایین می‌آید. اما از طرف دیگر هم بایستی توجه داشت که؛ چشم‌انداز بدون عمل، خیال‌پردازی است! و عمل بدون چشم‌انداز، روزمرگی و وقت‌گذرانی! ممکن است یک چشم‌انداز، تمامی ویژگی‌های یک چشم‌انداز خوب را داشته باشد اما تنها به این دلیل که توده‌ی مردم و حتی افراد به ظاهر تحصیل کرده! آنرا درک نکرده و از ماهیت و اساس آن بی اطلاع باشند، مورد

عنایت قرار ندهند. در این حالت ابزارهای انتقال چشم‌انداز همچون: صدا و سیما، رسانه‌های ارتباط جمعی، همایش‌ها، نشست‌های هم‌اندیشی، دوره‌های آموزشی و ... نقش بسیار کلیدی‌ای را برای انتقال ارکان جهت‌ساز سند چشم‌انداز توسعه، بازی می‌کنند. مطلب دیگری که شاید در بند ارزش‌های اساسی باید به آن اشاره می‌شد؛ شفاف‌سازی واژه‌ی "نخبه" بود که هم‌اکنون در کشور ما تعریف استاندارد از آن وجود ندارد! مولف این نوشتار در یکی از یافته‌های علمی اخیر خود تاکید می‌کند که؛ کسب مدارک بالای دانشگاهی‌ای که با کشف علم و حل مسئله‌های واقعی جامعه‌ی بومی همراه نباشد، کسب مدال‌های رنگین از المپیادهای علمی و ورزشی یا کسب رتبه‌های تکریمی در کنکورهای مختلف؛ نشانه‌ی نخبه بودن افراد نیست، اگرچه از میزان هوش قابل قبولی برخوردار باشند! به عبارت دیگر باهوش بودن شرط لازم برای نخبگی است و نه کافی. شرط لازم و کافی برای نخبه بودن افراد آنست که؛ علاوه بر باهوش بودن، برای کشورشان دغدغه‌ی تحول و توسعه‌ی پایدار نیز، داشته باشند و آنهایی که دغدغه‌ی تحول دارند دارای 3 ویژگی آشکارند:

- 1- از طریق قلم و قدم و درم، ابتدا درک شکاف را در خود و سپس جامعه‌شان توسعه داده باشند(شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب)
- 2- امید به بهبود داشته باشند(نه اینکه به بهانه‌های مختلف از جمله؛ ادامه تحصیل، به خارج از کشور سفرکنند و دیگر پشت سر خود هم نگاه نکنند! اگرچه طبق فرموده‌ی پیغمبر اکرم(ص): ادامه‌ی تحصیل افراد، کار بسیار خداپسندانه‌ایست حتی اگر تا چین باشد اما به شرطی که به میهن خود بازگردند). به عبارت دیگر نخبه‌ی واقعی، هیچگاه خسته و ناامید نمی‌شود!
- 3- برای رساندن کشورشان به یک وضعیت مطلوب و پایدار، تلاش شبانه‌روزی و خستگی‌ناپذیری را که از بنیان‌های علمی قوی‌ای نیز برخوردار باشد، از خود به نمایش بگذارند.

..... این مقاله ادامه دارد، قسمت بعدی را که چگونگی انتقال مفاد چشم‌انداز به لایه‌های پایین دست جامعه و روش ایجاد تحولات بزرگ اجتماعی و سازمانی را تشریح می‌کند، در هفته‌ی آینده مطالعه کنید.

یادآوری: استفاده از مطالب این نوشتار(در محافل علمی، اجرایی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی)؛ در صورتیکه عبارات آن عیناً منتقل شود، با ذکر منبع و نام مولف، مانعی ندارد.

<p>ابزارهای انتقال چشم‌انداز همچون: صدا و سیما، رسانه‌های ارتباط جمعی، همایش‌ها، نشست‌های هم‌اندیشی، دوره‌های آموزشی و ... نقش بسیار کلیدی‌ای را برای انتقال ارکان جهت‌ساز سند چشم‌انداز توسعه، بازی می‌کنند.</p>	<p>چشم‌انداز بدون عمل، خیال‌پردازی است! و عمل بدون چشم‌انداز، روزمرگی و وقت‌گذرانی. ممکن است یک چشم‌انداز، تمامی ویژگی‌های یک چشم‌انداز خوب را داشته باشد اما تنها به این دلیل که توده‌ی مردم و حتی افراد به ظاهر تحصیل کرده! آن را درک نکرده و از ماهیت و اساس آن بی اطلاع باشند، مورد عنایت قرار ندهند.</p>	<p>تصویر مثبت یک ملت از آینده - اش، پیامد موفقیت آن ملت است؟ یا موفقیت آن ملت پیامد تصویر مثبتی است که از آینده داشت؟ این پرسش هوشمندانه، پازلی (معمایی) است که زمانی، تقریباً ذهن همه‌ی آینده‌پژوهان را به خود مشغول کرده بود. راستی! از نظر شما، پاسخ هوشمندانه چیست؟</p>
---	---	---